

بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی موسیقایی مجموعهٔ (کوچ و کویر) نصرت رحمانی

علی خوشه‌چین^۱

دکتر کورس کریم پسندی^{*۲}

دکتر نعیمه کیا لاشکی^۳

دکتر وجیهه ترکمانی^۴

چکیده

موسیقی یکی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های برجسته زبان و موسیقی کلام یکی از برجسته‌ترین تجلیات شعر، است. شعر، بدون داشتن جنبه‌های موسیقایی جلوه و زیبایی چندانی ندارد. یکی از مشخصه‌های اصلی شعر نیمایی، در مقایسه با شعر کلاسیک، تحول در انواع موسیقی کلام و کاربرد انواع آن است. در این مقاله که به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی انجام شده است، به بررسی انواع موسیقی (بیرونی، کناری، درونی و معنوی) در مجموعهٔ «کوچ و کویر» نصرت رحمانی پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رحمانی در این مجموعه از موسیقی درونی (انواع تکرار و جناس) برای ایجاد نوعی وحدت در محور هم‌نشینی و تأثیر کلام خود، استفاده کرده است. برای ایجاد تناسب، زیبایی و موزون بودن اشعار خود از موسیقی بیرونی و کناری استفاده کرده است. در این بخش رحمانی از حدود دوازده وزن عروضی استفاده کرده است. بیشتر چهارپاره‌های او در این مجموعه، بدون «ردیف» هستند و تنها قافیه، موسیقی کناری را شکل داده است. همچنین برای افزودن غنای معنایی و تقویت موسیقی معنوی کلام خود از عناصر زیبایی سخن همچون (تشبیه، استعاره، تناسب، پارادوکس، حس‌آمیزی، نماد، مجاز و تضاد) استفاده کرده است. و سرانجام اینکه به کارگیری ترکیبات ناب و زیبا با رعایت تناسب و پیوند با موسیقی و تخیل، باعث شده است که هرچه بیشتر به هدف غایی شعر نزدیک‌تر شود.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، کوچ و کویر، موسیقی، نصرت رحمانی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Email: ali.khoo@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: karimpasandi@iauc.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Email: Nnkia11@gmail.com naeeme

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Email: Torkamani.vajihe@Gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

مقدمه

ادبیات پدیده‌ای جهانی است و ماهیت آن در تمامی فرهنگ‌ها تقریباً یکسان است. ادبیات هنر بیان درونیات به وسیله کلمات است. هنر نیز «تجلی خارجی اندیشه‌ها و احساساتی نیرومند است که انسان آنها را تجربه می‌کند و به کمک علائم، خط‌ها، رنگ‌ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات، بیان می‌دارد.» (تولستوی، ۵۳: ۱۳۵۶) به این ترتیب است که یک «اثر هنری را به پنجره‌ای تشبیه کرده‌اند که به روی دنیا باز می‌شود. ولی یک پنجره یا قادر است تمامی توجه ما را به خود جلب کند یا به هیچ وجه قادر نیست. یک اثر هنری را می‌توان وسیله‌ای برای تجربه کردن واقعیت‌ها دانست.» (اسپرگ، ۱۶: ۱۳۵۸)

بر این اساس می‌توان شعر را نوعی زبان چند بعدی تلقی کرد و شاعر را نوازنده‌ای دانست که با واژگان و اندیشه و زبان و احساس در حال نواختن و ایجاد ریتم و آهنگ است و هر بار با کلمات بیش از یک ریتم تازه تولید می‌کند. زبان شعر زبانی است به سوی تمام انسان بلکه همه هستی را در بر می‌گیرد. بنابراین «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده شعر، با شعر خود، عملی در زبان، انجام می‌دهد که خواننده، میان زبان شعری او، و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند.» (شفیعی کدکنی، ۳: ۱۳۶۸)

«شعر در حقیقت موسیقی کلمه‌ها و لفظ‌هاست و غنا، موسیقی الحان و آهنگ‌ها و جمع میان شعر و موسیقی جمع میان موسیقی الفاظ و موسیقی الحان است.»

(همان: ۴۴)

نصرت رحمانی از جمله شاعران نوپرداز و موفق و برجسته معاصر به شمار می‌رود که تلاش بسیار کرد تا در اشعارش بازتابی از اوضاع و احوال جامعه سیاسی و اجتماعی زمانه اش را جلوه دهد. رحمانی به جهت ترسیم فضای حزن آلود و غمناکی که در آثارش جلوه‌گر بود به شاعر شعر سیاه شهرت دارد. «شعر نصرت رحمانی آینه اجتماعی است که شاعر در آن زندگی می‌کند. او در اشعارش به روایت رویدادهای اجتماعی می‌پردازد و علیه نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه قیام می‌کند.» (هاشمی، ۱: ۱۳۹۱)

اولین مجموعه‌های رحمانی در دهه سی منتشر شدند. مجموعه‌های «کوچ، کویر» در ابتدا یک بار جداگانه به چاپ رسیدند و سپس به شکل کتابی واحد منتشر شد. شعرهای این مجموعه‌ها عموماً فضایی بسیار حزن آلود و گرفته داشتند و شاید به همین دلیل از همان دوره او را شاعر شعر سیاه نامیدند.

در مقدمه یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد: «شعر یا شعر است، یا نیست. دنیای شعر و شاعری چون دنیای ورزشی نیست که به شعر درجه یک، نشان طلا، به شعر درجه دو، نشان نقره و به شعر درجه سه، نشان برنز بدهند. شعر درجه نمی‌شناسد، داور شعر یک شاعر بازنشسته چون مربی ورزش نیست. داور شعر حتی منتقدان و شعر شناسان نمی‌توانند باشند. داور شعر یک ملت است، نسل پشت نسل!» (رحمانی، ۲۳: ۱۳۸۶)

بیان مسأله

موسیقی در ادبیات به نوعی «ایجاد تناسب و توازن صوتی بین اجزای کلام است.» (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۸) این تناسب باعث می‌شود که شاعر با واژه‌هایی که گزینش می‌کند، درست بر تأثیر کلام بیفزاید. موسیقی در زبان شعر، با موسیقی کلمه آغاز می‌شود. «شاعران موفق که با دقت و تأمل کلمات شعر را بر می‌گزینند، به آهنگ درونی آنها توجه کافی دارند. گاه موسیقی شعر از هم‌نشینی و مجاورت حروفی خاص ایجاد می‌شود. نظم و توالی صوت یا اصوات در کلمه و بافت جمله، طنین و آهنگی را به وجود می‌آورد که غالباً القاگر و تداعی کننده مفهوم و حالات عاطفی خاصی است.» (علی پور، ۵۳: ۱۳۸۰)

- موسیقی بیرونی: یکی از آشکارترین انواع موسیقی در شعر، که باعث ایجاد زیبایی در شعر می‌شود، موسیقی بیرونی است که به وسیله اوزان رایج شعر فارسی شکل می‌گیرد. «منظور از موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی و وزن شعر است که بر همه شعرهایی که در یک وزن سروده شده‌اند قابل تطبیق است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۳۸: ۳۹۱) می‌توان گفت که به وسیله موسیقی بیرونی می‌توان با دنیای شاعر ارتباط بیشتر و تنگاتنگی ایجاد کرد. شاعر به وسیله نوع

موزون بودن و استفاده از هجاهای کوتاه و بلندی که در شعرخود به کار می‌گیرد، می‌تواند احساس مخاطب خود را برانگیزد و ذهن و اندیشه او را آماده پذیرش مضامین و مفاهیم شعری خود کند. همچنین گفته‌اند که «موسیقی بیرونی خود نوعی تناسب است. تناسب کیفیتی که حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد می‌باشد. حال این تناسب اگر در مکان واقع شد آن را قرینه می‌خوانند و اگر در زمان واقع شد، وزن خوانده می‌شود.» (ناتل خانلری، ۲۴، ۱۳۸۶)

- **موسیقی کناری:** موسیقی کناری جلوه‌های موسیقایی حاصل از تکرار واژگان شعری در پایان هر بیت است. این نوع موسیقی یعنی عواملی که باعث ایجاد نوعی نظم و هماهنگی در شعر می‌شود و مهم‌ترین عامل این نظم همان قافیه و ردیف می‌باشند.

- **موسیقی درونی:** یکی دیگر از عناصر زیبایی‌شناسی در شعر به کارگیری موسیقی درونی است. این نوع از موسیقی دارای شاخصه‌های متفاوتی است. از آنجا که مدار موسیقی (به معنی عام کلمه) بر تنوع و تکرار استوار است، هرکدام از جلوه‌های تنوع و تکرار در نظام آواها که از مقوله موسیقی بیرونی و کناری نباشد، درحوزه مفهومی این نوع موسیقی قرار می‌گیرد. یعنی مجموعه هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید، جلوه‌های این نوع موسیقی است و اگر بخواهیم از انواع شناخته شده آن نام ببریم، انواع تکرارها (اعم از تکرار لفظ یا واج آرایبی)، جناس‌ها، ترصیع، موازنه و... را باید نام ببریم و نیز باید عنوان کرد که این قلمرو موسیقی شعر، مهم‌ترین قلمرو موسیقایی است و استواری و انسجام و مبانی زیبایی‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی در همین نوع از موسیقی نهفته است.

- **موسیقی معنوی:** بی‌شک یکی از مهم‌ترین حوزه‌های زیبایی‌شناسی در شعر، می‌تواند توجه به الگوها و عناصر زیبایی سخن باشد «حوزه معنی به عنوان انعطاف‌پذیرترین سطح زبان، بیش از دیگر سطوح زبان در برجسته‌سازی ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم‌نشینی واژه‌ها براساس قواعد معنایی حاکم بر زبان هنجار، تابع محدودیت‌های خاص خود است.» (صفوی، ۱۳۹۴: ۵۵) در این حوزه صناعی از قبیل استعاره، مجاز، تشخیص، پارادوکس، حس آمیزی، تضاد، تشبیه، کنایه، تمثیل، ایهام، نماد و اسطوره مراعات نظیر قرار دارند.

پرسش‌های پژوهش

۱. نصرت رحمانی در مجموعه کوچ و کویر تا چه حد از انواع موسیقی استفاده کرده است؟
۲. به کارگیری انواع موسیقی چه تأثیری در شعر مجموعه‌های (کوچ و کویر) رحمانی گذاشته است؟

پیشینه پژوهش

نصرت رحمانی چهره‌ای شاخص در عرصه شعر معاصر است. مرادفات او با چهره‌های ماندگار شعر معاصر همچون (احمد شاملو، فروغ فرخزاد، نادر نادرپور...) و بسیاری دیگر از شخصیت‌های بزرگ جریان شعر معاصر باعث گردید که نامش خیلی زود بر سر زبان‌ها بیفتد و چهره‌ای شاخص در شعر معاصر گردد. بر این اساس درباره شعر و شخصیت او پژوهش‌هایی در قالب‌های کتاب و مقاله و... انجام شده است. در اینجا به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- کتاب (از نقطه تا خط) نوشته محمود نیکویه که در آن به بررسی شعر و شخصیت رحمانی پرداخته و نقطه نظراتی درباره او آورده است.
- ۲- پایان‌نامه «تحلیل جامعه‌شناختی اشعار نصرت رحمانی» توسط کاظم هاشمی در سال ۱۳۹۱ انجام شد. نگارنده در این پژوهش مهم‌ترین موضوعات و مفاهیم شعری نصرت را معرفی و بررسی کرده است.
- ۳- مقاله «نصرت، شاعر کوچه‌های خاموش» که توسط محمود معتقدی نوشته شده است و نویسنده در این مقاله بسیاری از ویژگی‌های شعری و شخصیتی و دوره زندگی نصرت رحمانی را با دقت و تأمل بسیار مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.
- ۴- مقاله «استعاره در اشعار نصرت رحمانی» که توسط لیلا مسکوک نوشته شده است.
- ۵- مقاله «آشنایی‌زدایی و کارکرد آن در اشعار علی موسوی گرمارودی و نصرت رحمانی» که توسط رضا کشتگر، سید احمد حسینی و سیدجعفر حمیدی نوشته شده است و در آن شیوه‌های آشنایی‌زدایی در اشعار این دو شاعر بررسی و تحلیل شده است.

۶- مقاله «وجوه زیباشناختی تصویر و هماهنگی آن با عاطفه و اندیشه در شعر نصرت رحمانی که توسط حجت‌اله امیدعلی، و مهدی دهرامی نوشته شده است.

۷- مقاله «نگاهی سبک‌شناسانه به اشعار نصرت رحمانی» نوشته غلامرضا مستعلی پارسا، وحجت‌اله امیدعلی.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه نصرت رحمانی یکی از شاخص‌ترین چهره‌های شعر معاصر است، بررسی انواع موسیقی در شعر او می‌تواند ثابت کند که او نسبت به کاربرد آرایه‌هایی چون: تشبیه، کنایه، استعاره، تکرار، تضاد و جناس بی‌توجه نبوده است. در برخی موارد از جمله، تکرارها، انتخاب شاعر کاملاً آگاهانه است. هر چند هدف این مقاله، بررسی موسیقی در تمام اشعار نصرت نبود، اما این نوع موسیقی در شعر نو، معنا و مفهوم ویژه‌ای می‌یابد.

معرفی نصرت رحمانی و اشعارش (کوچ و کویر)

نصرت رحمانی، (۱۳۷۶-۱۳۰۸) یکی از شاعران برجسته‌ای است که به گواه تاریخ ادبیات معاصر ایران، نامش در کنار بزرگانی چون: نیما یوشیج، اخوان ثالث، توللی، نادرپور، ابن‌هاج، سپهری، شاملو و فرخزاد قرار گرفته است. اگرچه کلامش، تفاوت چشمگیری با کلام معاصرانش دارد. شعر نصرت لبریز از مفاهیم و تصاویر صریح و جسورانه است. او از دریچه‌ای به پیرامون خودش می‌نگرد، که کمتر در شعر فارسی سابقه دارد. نصرت شاعری اجتماعی، همراه با دردها و آرزوهای توده مردم است.

نصرت رحمانی، از شاعرانی است که نامش در دهه سی، بیشتر وارد محافل و نشریات ادبی شد. او «شاعری است که به سبب صداقت و بی‌پروایی در پرداختن به موضوعات و مضامین ممنوعه، طرفداران بسیاری را به خود اختصاص داده است.» (صفایی و دیگران، ۱۷:

(۱۳۸۹)

رحمانی عقیده دارد انسان به هر مسیری حرکت کند، جزین بست و سیاهی به جایی نمی‌رسد. او خود را تجربه کرده همه‌ی مسیرها می‌نامد. «او هیچ گاه نتوانست تکلیف خود را با یکی از دو سوی تناقضاتی که در درونش بود معلوم کند و شاید همین امر سبب ایجاد خلاقیت‌های آفرینش اشعار نیمایی او بود.» (زرقانی، ۲۸۸: ۱۳۸۴)

نصرت رحمانی، نخستین مجموعه شعرش، با عنوان «کوچ» را در سال (۱۳۳۴) در تهران چاپ کرده است و سپس مجموعه‌های: «کوبر» (۱۳۳۴)، «ترمه» (۱۳۳۶)، «میعاد در لجن» (۱۳۴۶)، «حریق باد» (۱۳۴۹)، «شمشیر معشوقه قلم» (۱۳۶۸)، «پیاله دور دگر زد» (۱۳۶۹) و «بیوه سیاه» (۱۳۸۱) را منتشر نموده است.

نیما در مقدمه «کوچ»، اولین اثر او نوشته است: «آقای رحمانی... آن چیزهایی که در زندگی هست و در شعر دیگران، سایه‌ای از خود نشان می‌دهد، در شعر شما بی‌پرده‌اند.» و در ادامه می‌افزاید: «تجدد در شعرهای شما با متانت انجام گرفته است! اگر در معنی تند رفته اید، در ادای معنی دچار تند روی‌هایی که دیگران نشده‌اند، نشده‌اید.» (رحمانی، ۴۳: ۱۳۸۶)

رحمانی از جمله شاعران برجسته‌ای است که حدود پنج دهه به شکل پر رنگی در شعر فارسی حضور دارد و از شاگردان خلف نیما به حساب می‌آید. او در دوره‌ای حضور دارد که شاعرانی بسیار صاحب نام در ادب فارسی جلوه‌گری می‌کنند. چهره‌های نامداری چون شاملو، فرخزاد، سپهری، نادرپور، اخوان ثالث...

«نصرت رحمانی نماینده نسلی است عصیان پیشه. نسلی که مزه شکست را چشیده، اما آن را نپذیرفته است. او در جهانی زیست می‌کند که ارزش‌ها مدام فرو می‌ریزند در روزنه‌های امید پی در پی بسته می‌شوند. نگاه شاعر رویدادهای ترس‌آور بیرونی را می‌بیند و گاه به خلوت خانه خیال می‌رود یا عصیان می‌کند. عصیان او گاه عصیانی است منفی. او در گردابی دست و پا می‌زند که روز به روز ژرف‌تر و پیچان‌تر می‌شود.» (دستغیب، ۱۳۵۳: ۴۱)

«نصرت تخیلی بسیار قوی داشت. احساسات و عواطف شاعرانه خود را با صداقت و صمیمیت خاصی در شعر ترسیم می‌کرد. او با خودش، با احساسات و با شعرش صمیمی بود. در

شعر نصرت رنگ ریا و فریب وجود نداشت او شاعری آزاده، خوشفکر و مردم دوست بود. (حاج سید جوادی، ۱۳۸۲: ۴۳۵) بدون شک شعرهای نصرت که در قالب نو سروده شده است از نمونه‌های بسیار خوب و طراز اول شعر معاصر فارسی می‌تواند قلمداد شود. شعر رحمانی زبانی مخصوص دارد. می‌توان گفت برای اولین بار رحمانی کلمات تازه‌ای را وارد شعر کرده است. این ترکیبات نو و کلمات تازه در شعر رحمانی همه جا با مضمون نو همراه است. (همان: ۲۴)

کوچ نخستین مجموعه از سروده‌های نصرت است که «مظهر و نمونه‌ای از نخستین تلاش‌ها و کوشش‌های وی می‌باشد. شعرش در این مجموعه تنها وقف عشق نیست گاهی مسائل مختلف زندگی در آثار وی منعکس شده است. مثل شعرهای لوطی، فاحشه... و این مغتنم می‌باشد.» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۷: ۸۸)

نصرت در مجموعه «کوچ» هنوز از دقت و پختگی زبانی چندان برخوردار نیست. اما عصیان‌گری‌هایی که او در اشعارش دارد باعث شده است که ضعف‌های زبانی چندان به چشم نیاید. رحمانی نسبت به همسالانش بسیار دیر وارد عرصه شعر شد ولی چون شهابی درآمد و بسیاری را تحت تابش سوزانش گرفت.

«در کتاب کوچ، رحمانی مناظری را مجسم می‌کند که در نوع خود بی‌نظیر است. آنجا مناظر حقیقی و زنده و دور از خیال پردازی است. این رئالیسم قوی بیش از هر چیز دیگر شعر رحمانی را غنی و پرمایه کرده است او با قلم موی شعر با رنگ کلمات طرح سقاخانه را جلو چشم شما تصویر می‌نماید و این بیان تا سر حد مهارت و استادی پیش می‌رود.» (نیکویه، ۱۳۷۹: ۹۲) بنابراین در این مجموعه شعر، رحمانی دارای زبان خاصی است و کلماتی را وارد شعرش کرده که برای نخستین بار در شعر فارسی به کار رفته است.

«کویر دومین مجموعه شعر نصرت رحمانی بود که همچنان همان خشم و خروش رمانتیسم و همان درد اثرگذار اشعار مجموعه نخستین کوچ را داشت زبان کویر نسبت به کوچ پخته‌تر و سنجیده‌تر است و اشعارش آن قدر خودجوش و دردمندانه و عاطفی که گمان هر گونه صنعتگری آگاهانه را منتفی می‌کند.» (همان: ۱۷۱)

به جز چند قطعه کوتاه، می‌توان اشاره کرد که تقریباً مجموعه‌های کوچ، کویر دارای ساختار چهارپاره هستند و از نظر مضمون بسیار تاریک و عصیان‌گر هستند. در این مجموعه‌ها اندیشه و جهان بینی و دیدگاه نصرت رحمانی درباره زندگی، اجتماع انسانی، عشق، اندوه را شاهد هستیم که البته، بعدها برخی از این موارد تغییرات زیادی پیدا می‌کند. همچنین باید گفت که در این مجموعه‌ها، رحمانی عشق زمینی را با تمام خصایص زمینی خود به تصویر می‌کشد. البته قالب چهارپاره بیشتر نکات عاطفی و فردی را بیان می‌کند و با گفتن از درونیات فردی مخاطب خود را به خوبی تحت تاثیر این احساسات و هیجانات قرار می‌دهد. به همین دلیل است که بسیاری از شاعران رمانتیک قالب چهارپاره را مورد استفاده قرار می‌دهند.

موسیقی بیرونی

اشعار مجموعه کوچ و کویر شامل ۳۹ قطعه شعر در قالب چهارپاره ۴ دوبیتی و ۴ غزل و ۲ شعر سپید و ۸ قطعه نیمایی است. به لحاظ وزن، غیر از دوبیتی‌ها که در وزن رایج خود سروده شده‌اند، سایر اشعار موزون این مجموعه، یعنی غزل‌ها و چهارپاره‌ها در دوازده وزن سروده شده‌اند. بیشترین وزن به کار گرفته «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» است که در بحر (مضارع مثنی‌اخر مکتوف مقصور) می‌باشد و حدود ۱۴ قطعه شعر را شامل می‌شود. اوزان رایج‌تر دیگری که در این مجموعه به کار رفته (فاعلاتن مفاعلن فعلن) و (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) است که هرکدام شامل ۵ قطعه از شعرها می‌باشد. وزن‌های دیگر این مجموعه شامل (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)، (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن)، (فاعلاتن فعلاتن فعلن)، (فاعلن فاعلن مفاعیلن)، (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)، (مستفعل مستفعل مفعول)، (مفعول فاعلات مفعول فاعلاتن)، (مفعول مفاعیل فعولن) و (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) می‌باشد.

موسیقی کناری

منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است، ولی ظهور آن در سراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست. «آشکارترین نمونه موسیقی کناری قافیه و

ردیف است. موسیقی کناری نیز مانند وزن، از همراهان همیشه شعر فارسی بوده و تکمیل‌کننده ساختمان آن. از میان قافیه و ردیف، سهم قافیه در موسیقی شعر بیشتر است و ردیف، غالباً جنبه تکمیلی دارد. بسیاری از شعرهای فارسی، با رعایت قافیه و بدون ردیف سروده شده‌اند. قافیه در شعر کمتر زبانی به اندازه زبان فارسی و عربی اهمیت دارد و ردیف ویژگی طبیعی شعر فارسی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۶۰)

نصرت در مجموعه کوچ و کویر حدود حدود چهل و هفت شعر موزون دارد. از مجموع این تعداد شعر چهار غزل دارد که هر چهار غزل دارای ردیف فعلی هستند. چهار دوبیتی نیز در این مجموعه وجود دارد که هیچ کدام از «ردیف» برخوردار نیستند و کلمات قافیه بیشتر از اسم‌ها تشکیل شده‌اند. از مجموع سی و نه چهارپاره که در این مجموعه وجود دارند، تعداد معدودی از پاره‌ها دارای «ردیف» هستند و بیشتر پاره‌ها از قافیه به عنوان کلامی موسیقایی شکل گرفته‌اند.

موسیقی درونی

الف) جناس: یکی از آرایه‌هایی که در ایجاد موسیقی درونی کمک شایانی می‌کند، جناس است. جناس از زیباترین آرایه‌های لفظی و از عوامل مهم ایجاد زیبایی شعر است که سبب جلب توجه خواننده می‌شود. زیبایی‌های جناس و جنبه‌های هنری آن را ناشی از سه مقوله: «تداعی معانی، کشف ابهام انگیز میان دو واژه متجانس و غرابت واژه‌های متجانس می‌دانند.» (وحیدیان کامیار، ۲۴: ۱۳۸۵) نصرت نیز از این شیوه در اشعارش به کار گرفته است:

- (دست / مست)

هر شب که مست، دست به دیوار می‌کشی / از خواب می‌جهد پدرت آه می‌کشد

(رحمانی، ۴۹: ۱۳۸۶)

- (شام / بام)

گویند که داستان شب تاب / چون قصه شاعری ست گمنام / کز شام همیشه سوخت تا بام /
از بام به کس نگفت تا شام (همان: ۶۷)

ب) **تکرار:** یکی از شگردهای سودمند هنری و «یکی از مختصات زبان ادبی تکرار است؛ هم به لحاظ زبان (تکرار حرف، هجا، کلمه، جمله) هم به لحاظ معنی وزن و قافیه و ردیف و صنایع بدیع لفظی از مظاهر این تکرار هستند.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۹۱) در شعر نصرت از این شیوه موسیقایی بسیار به کار گرفته شده است.

- **تکرار کلمه:** نه او با من / نه من با او / نه او با من نهاد عهدی نه من با او... / نه ماه از روزن ابری به روی برکه‌ای تابید / نه مار بازویش بر پیکرم پیچید (رحمانی، ۱۳۸۶: ۵۱)

حق ... حق ... حق ... / مرغ حق مرغ حق / خموش خموش / راز پنهان من شنیدی دوش (همان: ۱۳۸)

- **تکرار حروف (واج آرایی)**

- (س) فسانه بود سعادت چو قصه سیمرغ به هر دیار که رفتم از او نشانه نبود

(همان: ۲۷)

- (ش) شراب شاعر این شهر خون است نمی‌خواهم شراب ارغوانی

(همان: ۳۲)

- (ش) خواستم بیکر امید کشم در آغوش شهره شهر شدم شاعر بدنام شدم

(همان: ۸۲)

موسیقی معنوی در شعر نصرت

الف) تشبیه: بی‌شک یکی از شاخص‌ترین عناصر زیبایی‌شناسی سخن تشبیه است. «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان می‌آورد.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴) بسامد تشبیه در اشعار نصرت بسیار بالاست. او از انواع تشبیهات اعم از بلیغ و مفصل و مؤکد و حسی و عقلی و... در اشعارش به کار گرفته است. همچنین باید اذعان کرد که تقریباً بالای ۹۰ درصد (مشبه به)‌ها در تشبیهات نصرت رحمانی محسوس هستند و این نشان دهنده آن است که شاعر سعی کرده تصاویر شعری اش را از محیط و واقعیات ملموس و محسوس اطراف خود بگیرد، نه مفاهیم ذهنی و انتزاعی و رویایی.

نمونه‌هایی از انواع تشبیه در شعر رحمانی

- تشبیه مفصل: (تشبیه چشم به جام ترک‌دار)

چشمش، چو چشم جام ترک‌دار اشک ریخت در واپسین عمر، به دامان کینه ام
می‌گفت او: مکش! به خدا دوست دارم اما ز انتقام نفس زد به سینه‌ام

(همان: ۶۵)

در این تشبیه نیز هر چهار رکن در شعر وجود دارند. چشم (مشبه) جام ترک خورده (مشبه به) چو (ادات تشبیه) و قطره قطره چون اشک سرازیر شدن به عنوان (وجه شبه) قرار گرفته است.

- تشبیه مؤکد: (تشبیه زمان به اسب)

دریغ و درد زمان اسب بادپایی است مرا به وادی حسرت، رساند و خویش گریخت
به این گناه که یک لحظه زندگی کردم به چهار میخ تباهی فلک مرا آویخت

(همان: ۲۷)

در این تشبیه، شاعر زمان را به اسبی مانند کرده است که وجه شبه آن، بادپا و تندرو بودن است و مقصود همان گذر شتابان لحظه‌ها و ساعت‌ها است.

- تشبیه بلیغ: (تشبیه سکوت به تیغ)

در نعره‌های خاموشی و مرگ نعره‌ها تیغ سکوت، دوخت لبان امید را
اشکی فتاد و شمع فرو خفت و ماه مُرد کفتار خورد لاشه‌ی مردی شهید را

(همان: ۳۳)

- تشبیه حسی به حسی: (تشبیه کفتر چاهی به دود)

صبح می‌آید و یک کفتر چاهی چون دود می‌پرد از لب گلدسته مسجد به شتاب
عابری می‌گذرد کوله به دوش از سر کوی روسپی رفته به زیر پل مخروبه به خواب

(همان: ۹۵)

- تشبیه عقلی به حسی (تشبیه زندگی به رشته)

عترم مرد وای ای مردم رفت سرمایه‌ام دگر از دست

بعد از او چون توان به جا ماندن رشتۀ زندگی گسست، گسست

(همان: ۸۳)

ب) **استعاره:** در ادبیات، استعاره، را «فشرده‌ترین نوع تشبیه گویند.» (صفوی، ۱۳۹۴: ۱۳۳) استعاره از پربسامدترین آرایه‌های بلاغی است که نصرت رحمانی تصاویر شعری خود را در قالب آنها ساخته و به مخاطبان خویش ارائه داده است. درحقیقت این ابزارهای بیانی همچون ظرفی است که تصویرهای تخیلی و خلاقانه شاعر در آن ریخته شده است. برخی از مهمترین تصاویر شعری و هنری رحمانی که به مدد آنها، انواع استعاره را به زیبایی، خلق و تجسم و ترسیم کرده است، عبارتند از: دریا، موج، باران، دنیا، سکوت، تیغ، تابوت، شکست، غم، حقارت، مرداب، پریشانی، آسمان، مهتاب، شب، آتش، آینه، مرگ، شیون، اندوه، پنجره و. رحمانی از هر دو نوع استعارهٔ مکنیه و مصرحه، بسیار استفاده کرده است. البته بسامد استعارهٔ مکنیه در اشعار او بیشتر است.

- **استعارهٔ مکنیه** (خشکیدن آوازاها): آوازاها / در سینه‌ها خشکید / بیهوده می‌خواندیم / بی‌گاه

واماندیم / در پهن دشت بی‌سرانجامی (همان: ۳۴۳)

- **استعارهٔ مصرحه:** (ستاره از اشک): در شبی پریشان بود / که عطر غم‌ها ریخت / ستاره‌ها

یخ زد / به پلک‌ها آویخت (همان: ۳۸۵)

پ) **نماد:** یکی دیگر از عناصر زیبایی سخن در اشعار نصرت استفاده از نمادهاست. «سرخوردگی و ناامیدی شدید به خصوص در میان قشر روشن فکر نوعی ابهام و رمزگرایی در ادبیات و شعر را در پی داشت و نصرت رحمانی نیز در زمرهٔ شاعران معاصر است که در بین مردم حضور دارد و به بیان رخدادهای اجتماعی سرزمین خود تمایل بیشتری نشان می‌دهد.» (اصدق و دیگران، ۲۳: ۱۳۹۷)

- **سیمرغ**

فسانه بود سعادت، چو قصهٔ سیمرغ به هر دیار که رفتم از او نشانه نبود

(رحمانی، ۱۳۸۶: ۲۷)

- **خفاش:** برف از درخت کاج فرو ریخت / در آبی و کبود افق دور می‌شدند / سگ پارس کرد، جغد به بیغوله‌ای گریخت / خفاش‌ها ز نور شفق کور می‌شدند (همان: ۳۴)

- کرکس

از ازل تا به ابد همه‌مۀ نابودی است زنده‌ای نیست در این دشت به جز کرکس پیر
استخوان من و تو ریخته در راه وجود خیز و از کاسۀ سر زود شرابی برگیر

(ت) **حس آمیزی:** حس آمیزی، آمیختن دو یا چند حس در کلام است به گونه‌ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر سخن می‌افزاید و باعث زیبایی می‌شود. نصرت رحمانی بیشتر از رنگ‌ها به عنوان نمادی از حس بینایی، برای حس آمیزی بهره برده است.

- **شب تلخ:** شب نمودی از تاریکی است و تاریکی حسی است که با چشم قابل رؤیت است. تلخی نیز یکی از چهار مزۀ است که با حس چشایی قابل درک است، اما نصرت در این شعر، ترکیب دو حس را در کنار یکدیگر قرار داده است.
در دم همه این این است در این تیره شب تلخ زنجیر به اشعار من گمشده بستید

(همان: ۷۱)

- **غم شیرین:** رحمانی در این بند از شعر خود، برای غم که یک مفهوم ذهنی و انتزاعی است، چاشنی شیرینی را به کار گرفته است. شاعر در این شعر، این امر انتزاعی (غم) را مانند یک پدیده محسوس دارای، مزۀ پنداشته است.

زمان زنجیری شیطان مست بود شمایان مست از افیون هستی
غمی شیرین به رگ‌هایم روان بود غم خودکامی و شهرت پرستی

(همان: ۱۸۹)

ث: **کنایه:** یکی دیگر از صور خیالی که به شعر بلاغت و زیبایی می‌بخشد، کنایه است. کنایه به سبب آنکه «از قرینۀ صارفه‌ای که دال بر معنای ثانویه باشد، برخوردار نیست.» (شمیسا، ۲۹۶: ۱۳۹۰) دارای جنبه هنری و ادبی بسیار بالایی است. نصرت رحمانی از این عنصرخیال برای بازتاب و انعکاس مسائل اجتماعی جامعه خود استفاده کرده است. این صور خیال یکی از مفاهیم

پرباربرد در شعر رحمانی است. وی به زیبایی تمام از کنایه استفاده نموده است. او از انواع مفاهیم کنایه از جمله کنایه اسم، صفت، به کارگیری اعضای بدن در کنایه، استفاده از ترکیبات عامیانه، کنایه فعل، ایما و... بسیار موفق عمل کرده است.

- از چشم سپهر (آسمان) افتادن: کنایه از بی‌ارزش و بی‌اعتبار شدن
او همچو ستاره‌ای است مطرود کز چشم سپهر اوفتاده
دانسته در آسمان خبری نیست در روی زمین، به پا ستاده

(همان: ۶۶)

- دامان به چنگ آوردن: کنایه از پیوستن و نزدیک شدن
نه دامانش به چنگ افتاد آن شب نه از او یادگاری در کفم ماند
نه پای بوسه‌ای در بوسه‌ای رفت نه دستی موی را بر رویم افشاند

(همان: ۹۰)

ج) مجاز: می‌گویند مجاز «گوهری است از گوهرهای گران‌بهای بلاغت که گوینده بلیغ و نویسنده توانا می‌تواند از این نوع استعمال سرمایه بگیرد و کلام را موافق طبع و ذوق و بر اساس یک هدف عالی قرار بدهد و درعین‌حال زیبا آورده و معنی را هم به ذهن شنونده نزدیک سازد.» (جرجانی، ۶۸: ۱۹۹۱)

نصرت رحمانی به مانند بسیاری از شاعران معاصر برای ایجاد تصاویر شعری از عنصر مجاز و انواع آن بهره برده است. البته باید به این نکته توجه داشت که این عنصر خیال‌انگیزی به نسبت بقیه صور خیال در شعر او کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

- به کارگیری مجازی واژه گوش: در این بند نیز شاعر مجازاً کلمه گوش را به جای همه افرادی که صاحب گوش و اهل شنیدن هستند به کار گرفته است و گرچه که گوش توان انتظار کشیدن را ندارد؛ بلکه صاحب گوش است که منتظر شنیدن می‌باشد.

نصرت از آن مردم خویشی، نه مال خود زنهار، تیرگی ز نند راه نام تو
هر گوش، منتظر به سرود تو مانده است نصرت! شرنگ مرگ نریزد به جام تو

(همان: ۵۰)

چ) تشخیص: جان بخشی یا شخصیت بخشی یکی از صورت‌های خیال است که شاعران و نویسندگان برای روح بخشیدن به نوشته‌های‌شان از آن بهره می‌گیرند. برخی نام‌های دیگری مثل انسان‌نگاری یا جاندارپنداری هم به آن داده‌اند. گاه شاعران و نویسندگان، صفات و نسبت‌هایی را به اشیا یا حیوانات می‌دهند که آن صفات و نسبت‌ها، ویژه انسان است. مثلاً رحمانی در شعر خود بارها «آسمان»، «روزگار»، «کوچه» یا «باد» را مورد خطاب قرار داده و با آنها گفت و گو می‌کند. به این شیوه، شخصیت بخشی یا جاندارپنداری گفته می‌شود.

کوچه تف کرده ز آفتابی تند / جوی، تن در لجن فرو برده / چند تیر چراغ ساکت و مات /
سایه شان آفتاب را خورده (همان: ۸۳)

دشت پر عقده، لب فرو بسته / آسمان، اشک رنج می‌بارد / لب خاموش تشنه کامم باز، / بر
دلم، تخم کینه می‌کارد (همان: ۵۳)

ح) پارادوکس: پارادوکس یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی در بیان هنری است. معمولاً «تناقض به خاطر یکی از واژه‌هایی است که به طور مجازی و یا در بیش از یک معنی به کار رفته باشد. ارزش پارادوکس ارزش تکان‌دهندگی آن است. نا ممکن بودن ظاهری آن، نظر خواننده را جلب می‌کند و پوچی ظاهری آن بر حقیقت آنچه گفته می‌شود، تأکید می‌کند» (پرین، ۱۳۷۶: ۶۲۰) در شعر نصرت از این شیوه کمابیش استفاده شده است.

خورشید من سیاهی و فریاد من سکوت هستی من تباهی و پیروزم شکست

(رحمانی، ۳۹: ۱۳۸۶)

با خویشتن به زمزمه‌ام این حدیث را یا هست آنچه نیست و یا نیست آنچه هست

(همان: ۵۷)

خ) تناسب: آوردن واژه‌هایی که از جهاتی با یکدیگر نسبت داشته باشند را، مراعات نظیر یا تناسب می‌گویند. «مراعات نظیر، این است که در سخن واژه‌هایی را بگنجانند که از جهتی مفهوم آنها نظیر یا متناسب هم باشد مانند آوردن پسته و بادام و فندق در بیتی.» (نوروزی، ۴۱: ۱۳۷۸)

برآب و هوا و خاک و آتش / بر لوحه، قلم، شراب و شمشیر / بر عشق، هوس، خیال و کینه
/ بر شعر، کتاب، بوسه، زنجیر (رحمانی، ۴۳: ۱۳۸۶)

د: تضاد: آوردن دو واژه‌ای که از نظر مفهوم و معنی و یا رسالتی که در جمله دارند در تقابل یکدیگر باشند را تضاد گویند. در واقع «در شعر و زبان شاعرانه میان متضادها سازگاری و سازواری ایجاد می‌شود و شاعر در میان اضداد به گونه‌ای آشتی برقراری کند که دشمنی و رمندگی احساس نمی‌شود.» (عقدایی، ۱۳: ۱۳۹۶)

به آب چشمه خورشید گرد مرگ را / از روی من شویند / سپیدی‌ها نمی‌خواهم بمیرم آه / به هستی پایندم آه / سپیدی‌ها بگیردم سیاهی‌ها مرا بردند (رحمانی، ۱۱۰: ۱۳۸۶)

نتیجه

موسیقی، بی‌تردید یکی از مهمترین عناصر زیبایی‌آفرین است که معمولاً به چهار وجه در شعر دیده می‌شود. موسیقی بیرونی که شامل جنبه‌های عروضی شعر می‌شود، موسیقی کناری که ردیف و قافیه را شامل می‌گردد. موسیقی درونی که بیشتر آرایه‌های لفظی و موسیقی معنوی است که شامل آرایه‌های معنوی می‌باشد. در این مقاله که به بررسی جنبه‌های متفاوت موسیقایی در مجموعه «کوچ و کویر» نصرت رحمانی پرداخته شد، نتایج زیر به دست آمد:

از منظر موسیقی درونی باید اشاره کرد که رحمانی، الفاظ و ترکیبات را با دقت و تأمل بسیار انتخاب می‌کند و در ساخت این نوع از موسیقی از آرایه‌هایی مانند؛ جناس، تکرار واج آرایی استفاده کرده است. تکرار، عامل اصلی موسیقی درونی ترکیبات اوست. تکرار منظم حروف و واج‌ها و واژگان و بسامد بالای آنها علاوه بر افزایش موسیقی و آهنگ کلام، نقش مهمی در بلاغت و انتقال پیام شعری و همچنین القای احساس و عاطفه ایفا کرده است و این نوع تکرار ارزشمند و از نظر زیبایی‌شناسی بسیار دارای اهمیت می‌باشد. گاهی تکرارها در شعرهای این مجموعه نوعی نظم صوری و لذت هنری نیز در بیت‌ها ایجاد کرده است و نقش قابل توجهی در بالا بردن ظرفیت معنایی شعر گذاشته است.

درباره موسیقی کناری و بیرونی نیز باید اشاره کرد که با توجه به قالب اشعار این مجموعه که بیشتر چهارپاره است، رحمانی از دوازده وزن متفاوت استفاده کرده است. او در این مجموعه حدود چهارده شعر خود را در وزن (مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن) سروده است. همچنین بسیاری از این شعرها از ردیف برخوردار نیستند و بیشتر بار موسیقی کناری بر دوش قافیه قرار گرفته است. گاهی رحمانی برای تأکید مقصود خود و فراتر رفتن از محدودیت‌های کلمه، با حفظ وزن شعر و قالب، از قافیه و ردیف استفاده کرده است.

در مبحث موسیقی معنوی نیز باید اشاره کرد که رحمانی در این مجموعه از عناصر زیبایی سخن همچون: تشبیه، استعاره، تناسب، تضاد، پارادوکس، کنایه، حس آمیزی و... استفاده کرده است. این آرایه‌ها علاوه بر تناسب و زیبایی کلام در محور جانمایی بر تأثیر شعر افزوده‌اند و همچنین باعث برجسته‌تر شدن زبان شعر و غنی‌تر شدن، بار معنایی شعر شده است.

منابع

کتاب:

- اسپرگ، س. ادبیات و شعر اجتماعی، ترجمه فیروز شیروانلو. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۸.
- پرین، لارنس. درباره شعر، ترجمه فاطمه راکعی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- جرجانی، عبدالقاهر. اسرار بلاغت. جده: دارالمدنی، ۱۹۹۱.
- حاج سید جوادی، حسن. تحقیق در تاریخ ادبیات ایران. تهران: انتشارات گروه پژوهشگران، ۱۳۸۲.
- دستغیب، عبدالعلی. نقد میعاد در لجن. تهران: انتشارات پیام نوین، ۱۳۵۳.
- رحمانی، نصرت. مجموعه اشعار. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۶.
- روزبه، محمد. ادبیات معاصر ایران (شعر). تهران، نشر روزگار، ۱۳۸۱.
- زرقانی، سید مهدی. چشم انداز شعر معاصر ایران. تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۰.

_____ موسیقی شعر. تهران: نشر آگه، ۱۳۶۸.

شمس لنگرودی، محمد. تاریخ تحلیلی شعر نو. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.

شمیسا، سیروس. بیان. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۵.

_____ بیان و معانی. تهران: انتشارات میترا، ۱۳۹۰.

صفوی، کوروش. از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴.

عقدایی، تورج. بدیع در شعر فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۶.

علی پور، مصطفی. ساختار زبان شعر امروز. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۰.

ناتل خانلری، پرویز. وزن شعر. تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۶.

نوروزی، جهانبخش. زیورهای سخن پارسی. شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۷۸.

نیکویه، محمود. از نقطه تا خط. رشت: انتشارات طاعتی، ۱۳۷۹.

وحیدیان، کامیار. بدیع. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.

مقالات و پایان‌نامه:

اصدق، افشین؛ شبلویی، فرهنگ. «بررسی و تحلیل تصویرپردازی در اشعار نادر نادرپور و نصرت رحمانی». نشریه

دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال ۱، شماره ۷، صص ۶۵-۹۰. آذر ۱۳۹۷.

صفایی، علی؛ احمدی، علی. «مقایسه شعر سیاه فروغ فرخزاد و نصرت رحمانی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، دوره ۷،

شماره ۲۷، صص ۳۶-۹. ۱۳۸۹.

هاشمی، کاظم. «تحلیل جامعه‌شناختی اشعار نصرت رحمانی». دانشگاه بیرجند: دانشکده ادبیات و علوم انسانی

(پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، ۱۳۹۱.

Examining the aspects of musical aesthetics of Nusrat Rahmani's group (Kooch and Kavir)

Ali Khooshechin¹, Koros Karimpasandi Ph,D^{2*}, NaeemeKkia Lashaki Ph.D³,
Vajihe Torkamani Ph,D⁴

Abstract

Music is one of the prominent features of language and music of speech is one of the most prominent manifestations of poetry. Poetry does not have much effect and beauty without having musical aspects. One of the main characteristics of Nimayi poetry, in comparison with classical poetry, is the evolution in the types of verbal music and the use of its types. In this article, which has been done in a descriptive-analytical manner, the types of music (external, lateral, internal and spiritual) in Nosrat Rahmani's "Koch va Kavir" collection have been studied. The results show that Rahmani in this collection has used internal music (types of repetitions and puns) to create a kind of unity in the axis of companionship and the effect of his words. To create fit, beauty and rhythm of his poems, he has used external and side music. In this section, Rahmani has used about twelve prosody weights. Most of his quatrains in this collection are without "rows" and only the rhyme forms the side music. He has also used the aesthetic elements of speech such as (simile, metaphor, proportion, paradox, sensuality, symbol, permissible and contradiction) to add semantic richness and strengthen the spiritual music of his words. And finally, the use of pure and beautiful combinations with respect to the connection with music and imagination, has caused it to be closer to the ultimate goal of poetry.

Keywords: aesthetics, migration, desert, music, Nusrat Rahmani.

1. Ph.D. student of Persian language and literature, Chalous branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

Email: ali.khoo@yahoo.com

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Author)

Email: karimpasandi@iauc.ac.ir

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

Email: Nnkia11@gmail.com Naeeme

4. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

Email: Torkamani.vajihe@Gmail.com